

شارل بودلر

فانفارلو

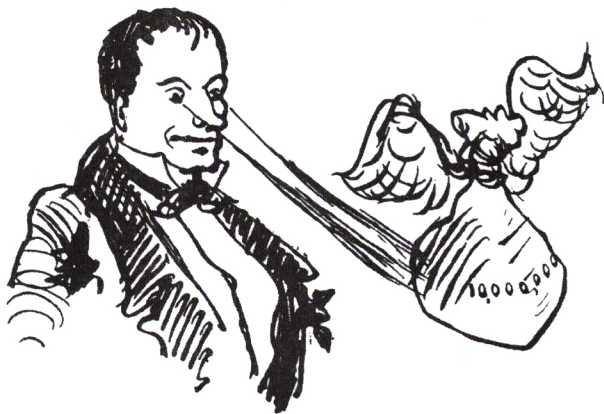
پرویز شهیدی



فرهنگ جاوید

فهرست تصاویر

- | | |
|----|---------------------------------|
| ۲۴ | ۱. تصویر بودلر پس از کشیدن حشیش |
| ۳۱ | ۲. خانم عزیز |
| ۴۲ | ۳. در ستایش گی |
| ۴۸ | ۴. نقاشی بودلر |
| ۵۲ | ۵. زن بی نام |
| ۵۶ | ۶. زن بی نام |
| ۶۵ | ۷. فانفارلو |
| ۷۱ | ۸. نقاشی |
| ۸۵ | ۹. نمونه زیبایی در عصر باستان |



ساموئل کرامر^۱ که در دوران اوج مکتب رمانتیسم چند اثر عاشقانه عامه‌پسند نوشته و با نام مستعار مانوئلا دو مونتورده^۲ چاپ کرده بود، حاصل پیوند دوگانه پدری سفیدپوست از تبار آلمانی و مادری سبزه‌رو از دیار شیلی بود. و اگر به این ثمره دورگه بودن اهلیت و تربیتی فرانسوی داشتن و تلموذ بر آستان ادبیات را بیفزاییم، به محض آشنایی با خصوصیات روحی و جسمی و اخلاقی عجیب و پیچیده او - اگر خشنود و متأثر نشوید - کم‌تر حیرت خواهید کرد. ساموئل پیشانی صاف و بلندی دارد که از خصوصیات نجیب‌زادگان است و چشم‌هایی درخشان مانند دانه قهوه، لب‌هایی گستاخ و شهوت‌ران، چانه‌ای مربع‌شکل و مستبد، و موهایی با آرایشی فضل‌فروشانه شبیه



موهای رافائل^۱ نقاش بلندآوازه. و در عین حال بی‌کاره و تن‌پروری است شهره شهر، جاه‌طلبی اندوهگین و سیه‌روزی؛ و علت آن، افکار سست و خامی است که در زندگی دارد. خورشید کاهلی که مدام درونش می‌دمد، آن ذره ناچیز نبوغی را هم که طبیعت به او بخشیده بود دود کرده و به هوا برده است. از میان همه این مردان متوسط‌الحالی که در این زندگی حقیر پارسی با آن‌ها آشنا شده‌ام، ساموئل بیش‌تر از همه هنرمندان و ادیبان شکست‌خورده، موجودی ضعیف و متفنن بود که نبوغ شاعرانه‌اش بیش‌تر در وجودش تابان بود تا در آثارش؛ فردی که ساعت یک بعد از نیمه‌شب، در سکوت شبانه، میان آتش زغال‌سنگ فروزنده و طنین تیک‌تاک ساعت دیواری، در نظرم در هیئت ایزدی عقیم و نابارور جلوه می‌کرد؛ ایزدی نوظهور با ناتوانی‌ای چنان غول‌آسا و بزرگ که حالت حماسی پیدا کرده است.

چگونه می‌توانم شما را با حقایق آشنا کنم تا بتوانید به‌روشنی به ذهن و زبان غامض و پُرابهام این فرد، فردی با خصائل کثیر و چشمگیر — همزمان تنبل و بی‌پروا برای دست‌زدن به هر اقدامی — و پُراستعداد در کشیدن طرح‌های گنگ و نامفهوم و ناکام در کامیابی پی ببرید؟ روحی که تضاد در آن بیش‌تر وقت‌ها ابعاد ساده‌لوحانه‌ای به خود می‌گرفت و قوه تخلیش به همان وسعت گوشه‌گیری و تن‌آسایی مطلقش بود — یکی از طبیعی‌ترین ضعف‌های ساموئل این بود که خود را همسان و هم‌تراز افرادی می‌پنداشت که مورد تحسینش بودند. پس از خواندن پُرشوروشوق کتابی دلپسند و زیبا، ناخودآگاه

1. Raphaélesque

چنین نتیجه‌گیری می‌کرد: این کتاب به اندازه‌ای زیباست که می‌تواند نوشته‌ای باشد از نوشته‌های من با اندک تفاوتی میانشان.

در دنیای امروز، چنین خصلت‌های روحی و اخلاقی بیش از آن یافت می‌شوند که آدم بتواند فکرش را بکند. کوچه‌ها، تفرجگاه‌ها، کافه‌ها، و هر گوشه دنجی که بتوان دمی در آن آسایید، از این نوع آدم‌ها بسیار می‌توان یافت. چنان به این روش تجدید زندگی کردن خو کرده‌اند که چیزی نمانده چنین پندارند که خود آن را ابداع کرده‌اند. — امروزه روز اما به دشواری می‌توانند به معنای نهفته در آثار عارفانه فلوطین^۱ و پورفور^۲ پی ببرند؛ و فردا مانند پسر کربیتون^۳ که روحیه دمدمی مزاج و فرانسوی‌مآبشان را تشریح کرده، چنین رفتار و خُلق و خوبی را تحسین خواهند کرد. دیروز گفت‌وگویی دوستانه با ژروم کاردان^۴ داشتند، حال آن‌که اکنون در شکم‌چرانی‌های اغراق‌آمیز رابله^۵، خَرَعَلت می‌زنند یا از آثار استرن^۶ الهام می‌گیرند. وانگهی در هر یک از این دگرگونی‌هاشان چنان سرخوشند که به هیچ بهایی حاضر نیستند نسبت به این نابغه‌های جوانی که توانسته‌اند احترام و ستایش نسل‌های بعدی را به خود جلب کنند، کینه‌ای به دل بگیرند.

۱. Plotin (۲۷۰-۲۰۴ م.م.): فیلسوف یونانی اهل اسکندریه و پیرو افکار نوافلاطونی.

(مترجم)

۲. Porphyre (۲۳۳-۳۰۵ م.م.): فیلسوف یونانی پیرو افکار افلاطون. (مترجم)

۳. Crébillon (۱۶۷۴-۱۷۶۲): شاعر و درامنویس فرانسوی. (مترجم)

۴. Jérôme Cardan (۱۵۰۱-۱۵۷۶): ریاضی‌دان ایتالیایی. (مترجم)

۵. François Rabelais (۱۴۹۴-۱۵۵۳): نویسنده طنزپرداز فرانسوی که اثر گارگانتوا و پانتاگروئل

(Gargantua et Pantagruel) او شهرت جهانی دارد. (مترجم)

۶. Laurence Sterne (۱۷۱۳-۱۷۶۸): نویسنده ایرلندی. (مترجم)